5) ماجرای ۱۹۰ هزار سو

رهبر انقلاب در ۱۶ تیر سال ۹۳ در دیدار با جمعی از مسئولان نظام فرمودند:

**«طرف مقابل به مرگ گرفته که به تب راضی بشوید. هدف آنها این است که جمهوری اسلامی را در باب ظرفیّت غنی‌سازی مثلاً - که یکی از مسائل است - به ده هزار سو راضی کنند، منتها از پانصد سو و هزار سو شروع کرده‌اند، که حدود ده هزار سو مثلاً محصول حدود ده هزار سانتریفیوژ - همین قدیمی‌هایی که از قبل داشتیم و داریم - است. هدف آنها این است. مسئولین ما میگویند ما به ۱۹۰ هزار سو احتیاج داریم. ممکن است این نیاز مال امسال و دو سال دیگر و پنج سال دیگر نباشد، امّا این نیاز قطعی کشور است، خب، باید نیاز کشور تأمین بشود».**

اما آنچه که بر اساس توافق لوزان عملی شده است، برچیدن ۱۳ هزار سانتریفیوژ فعال و تنها استفاده از ۵۰۰۰ سانتریفیوژ نسل اول، آن هم در سایت نطنز است که با این اوصاف برای رسیدن به میزان ۱۹۰ هزار سو، فاصله بسیار زیادی وجود دارد. به بیان دیگر با توجه به آنکه بر اساس این توافق ایران حتی حق استفاده از نسل های جدید سانتریفیوژهای خود را ندارد تنها باید با تکیه بر نسل قدیمی سانتریفیوژهای خود به غنی سازی اورانیوم آن هم به صورت محدود در سایت نطنز مشغول شود، برای رسیدن به ۱۹۰ هزار سو، باید ۱۹۰ هزار سانتریفیوژ در اختیار ایران باشد! اما در حال حاضر تنها ۵۰۰۰ سانتریفیوژ فعال در سایت نطنز باقی است که نشان می دهد برای رسیدن به این مقدار ۱۸۵ هزار سانتریفیوژ دیگر از نسل اول مورد نیاز است! مگر آنکه ایران می توانست از تعداد کمتری از سانتریفیوژهای نسل دوم و جدیدتر استفاده کند که آن هم بر اساس توافق لوزان، ممکن نیست و حداقل برای یک دهه ایران حق استفاده از سانتریفیوژهای نسل جدید را ندارد.

**» پنج خط قرمزی که در مذاکرات لوزان از آنها عبور شد..**

امیرحسین ثابتی

سرانجام مذاکرات لوزان سوییس به پایان رسید و اگرچه همچنان بسیاری از جزییات توافق هسته ای روشن نشده و بنا بر اعلام تیم مذاکره کننده تعیین این مسایل تا ۱۱ تیرماه سال جاری انجام خواهد شد، اما به نظر می رسد اکنون می توان با توجه به اطلاعات رسمی منتشر شده در این باره، به قضاوت نشست که آیا مذاکرات لوزان توانسته در چارچوب خطوط قرمز و حقوق ملت گامی به جلو بر دارد یا خیر؟

**آیا خطوط قرمز جمهوری اسلامی ایران در مذاکرات لوزان رعایت شد؟**

توجه در متن بیانیه قرائت شده توسط دکتر ظریف، موگرینی و هم چنین انتشار متن توافق توسط آمریکا نشان می دهد که حداقل در پنج مورد، به طور آشکار خطوط قرمز ترسیم شده توسط نظام در باب مذاکرات هسته ای رعایت نشده است.

4) ممنوعیت غنی سازی در فردو

بر اساس مذاکرات لوزان، سایت هسته ای فردو عملا دیگر به هیچ اندازه نمی تواند غنی سازی اورانیوم را انجام دهد، این در حالی است که رهبر معظم انقلاب تا کنون بارها و بارها بر خط قرمز بودن سایت هسته ای فردو و لزوم ادامه غنی سازی در آن تاکید کرده اند. به عنوان مثال ایشان در تیر ماه ۹۳ در دیدار بار جمعی از مسئولان نظام فرمودند: **«مسئله‌ی ظرفیّت غنی‌سازی یک مسئله است که خیلی مهم است؛ مسئله‌ی تحقیق و توسعه که قطعاً باید رعایت بشود؛ حفظ تشکیلاتی که دشمن قادر به تخریب آن نیست. روی "فردو" تکیه میکنند، چون غیر قابل دسترسی است برای آنها؛ میگویند جایی که ما نمیتوانیم به آن ضربه بزنیم، نباید داشته باشید! این خنده‌آور نیست؟»**

نکته قابل توجه دیگر در این باره اینکه، موضوع تعطیلی غنی سازی در فردو و تجمیع تمام فرآیند غنی سازی ایران در سایت نطنز آن هم با محدودیت های متعدد و زیر ۵%، یکی از مطالبات اصلی آمریکایی ها از ابتدای مذاکرات بود، چرا که نطنز در مقایسه با فردو به هیچ عنوان امنیت فوق العاده ای در برابر هر گونه حمله نظامی و موشکی احتمالی دشمن را ندارد (تاسیسات فردو 40 متر زیر زمین قرار دارد).

 جالب آنکه وندی شرمن معاون جان کری در مرداد ماه سال ۹۳ در جلسه با کنگره آمریکا از این موضوع خبر داده و تاکید کرده بود: «توافق شده است که فردو دیگر مرکز غنی سازی نباشد و اصلاً اگر قرار است برنامه ای برای غنی سازی در ایران در کار باشد، تنها تأسیسات غنی سازی موجود، نطنز خواهد بود.»

3) تغییر کاربری راکتور اراک

یکی دیگر از مواردی این بیانیه، تغییر کاربری و بازطراحی راکتور آب سنگنین اراک است. البته آقای ظریف در سخنان خود تصریح کرد که فعالیت های هسته ای ایران در اراک ادامه خواهد یافت و بلافاصله بعد از حضور در فرودگاه مهر آباد نیز مجددا بر این مساله تاکید کرد اما واقعیت این است که این تمام ماجرا نیست و اگرچه ایران در اراک به فعالیت های هسته‌ای خود به طور بسیار محدود و متفاوت به نسبت گذشته ادامه خواهد داد اما اساسا طراحی و ساخت اولیه راکتور اراک برای انجام اقدامات مرتبط با فناوری آب سنگین بوده است که شامل ۴ کارکرد تولید برق، انجام امور تحقیقاتی، تولید پلوتونیوم و تولید رادیو دارو صنعتی می باشد لذا هرگونه کاهش قدرت راکتور یا اعمال تغییرات دیگر از جمله بازطراحی آن، ۳ کارکرد آخر را تعطیل می کند و صرفا کارکرد اول که کم اهمیت ترین کارکرد راکتور اراک است باقی خواهد ماند.

این در حالی است که موضوع حفظ ماهیت راکتور آب سنگین اراک و عدم تغییر آن، یکی از خطوط قرمزی بوده که رهبر انقلاب قبل از مذاکرات «وین ۴» در خرداد ماه سال 13۹۳ مطرح کردند و اساسا یکی از علل به نتیجه نرسیدن مذاکرات «وین ۴» نیز همین مساله بود که آمریکایی ها اصرار به بازطراحی و قلب ماهیت راکتور آب سنگین اراک داشتند. حتی پیش از «وین ۴» نیز محمد جواد ظریف طی یک نشست خبری در توکیو در اسفند ماه ۹۲ با تاکید بر اینکه حفظ راکتور اراک خط قرمز ماست، گفت: «ما به‌دنبال تعطیل کردن اراک نیستم، ما به‌دنبال برچیدن آن نیستیم، این خط قرمز ما است، اما به نگرانی‌های برخی طرف‌ها در مورد اشاعه تسلیحات هسته‌ای خواهیم پرداخت».

1) توافق دو مرحله ای

رهبر انقلاب در ۱۹ بهمن ۹۳ در جمع فرماندهان ارتش، درباره یک مرحله ای یا دو مرحله ای بودن توافق هسته ای فرمودند:

**«این حرفی هم که حالا انسان می‌شنود که میگویند که در یک برهه‌ای درباره‌ی اصول کلّی توافق کنیم، بعد درباره‌ی جزئیات، این را هم بنده نمی‌پسندم؛ با تجربه‌ای که از رفتارهای طرف مقابل داریم، احساس میکنم که این وسیله‌ای خواهد شد برای بهانه‌گیری‌های پی‌در پی برسر جزئیات. اگر توافق میکنند، جزئیات و کلّیات و همه را در یک‌جلسه‌ی واحد تمام بکنند، امضا کنند. اینکه کّلیات را جداگانه توافق کنند، و بعد بر اساس آن کلّیات - که یک‌چیزهای مبهمی است، تفسیرپذیر است، تحلیل‌پذیر است - بروند سراغ جزئیات، نه، این منطقی نیست».**

اما عملا آنچه در مذاکرات لوزان سوییس انجام شد، تخطی آشکار از این مسأله مهم بود و طرفین بعد از انتشار متن بیانیه اولیه، اعلام کردند که جزییات باقی مانده در اینباره را تا ۱۱ تیر ماه حل و فصل خواهند کرد. فارغ از اینکه با این اقدام علنا یکی از مهم ترین خطوط قرمز توسط تیم مذاکره کننده هسته ای زیر پا گذاشته شده است، به نظر می رسد این موضوع در آینده کار را برای این تیم سخت‌تر هم خواهد کرد چرا که آمریکا طبق تجربه توافق ژنو، در گام نهایی نیز از فرصت استفاده کرده و با استناد به بخش های کلی و تفسیر پذیر توافق لوزان، از وعده هایی که به ایران داده شانه خالی کرده و در عمل علیرغم آنکه ایران به تمام تعهدات خود عمل خواهد کرد، طرف مقابل مشخص نیست تا چه اندازه به تعهداتش پایبند خواهد بود.

2) پا برجا ماندن تحریم ها و پذیرش اینکه «تحریم ها جزو نتیجه مذاکرات خواهد بود نه روند آن»

رهبر انقلاب در نخستین روز از سال ۱۳۹۴ در حرم رضوی علیه السلام فرمودند:

**«آمریکایی‌ها تکرار میکنند که ما قرارداد با ایران میبندیم، بعد نگاه میکنیم ببینیم اگر به قرارداد عمل کردند تحریمها را برمیداریم. این حرف، حرف غلط و غیر قابل قبولی است؛ این را ما قبول نداریم. رفع تحریمها جزو موضوعات مذاکره است، نه نتیجه‌ی مذاکرات؛ آن کسانی که دست‌اندرکار هستند، فرق این دو را بخوبی میفهمند. این یک خدعه‌ی آمریکایی است که میگویند قرارداد میبندیم، نگاه میکنیم به رفتارها، بعد تحریمها را برمیداریم! این‌جوری نیست؛ همین‌طور که مسئولین ما صریحاً گفته‌اند و رئیس‌جمهور محترم صریحاً گفت، رفع تحریمها باید بدون هیچ فاصله‌ای در هنگام رسیدن به توافق انجام بگیرد، یعنی رفع تحریم جزء توافق است نه چیزی مترتّب بر توافق».**

اکنون با انتشار متن نهایی بیانیه لوزان توسط طرفین مشخص شده است که نه تنها ایران نتوانسته طرف مقابل را برای رفع یک جای تحریم های غیرقانونی و ظالمانه متقاعد کند بلکه ضمن پذیرش این مساله که فقط تحریم های مرتبط با برنامه هسته ای ایران «تعلیق» خواهد شد، عملا هیچ تغییری در ساختار تحریم ها بویژه نفتی و بانکی نتوانسته انجام دهد. چنانچه جان کری وزیر خارجه آمریکا تنها دقایقی بعد از قرائت متن بیانیه پایانی توسط دکتر ظریف، اعلام کرد: «در ازای این همکاری ها از جانب ایران آمریکا مرحله به مرحله تحریم ها را "تقلیل" خواهد داد و در جایی که ایران به توافق عمل نکند تحریم ها به جای خود بازخواهد گشت».